

دانشجو :
امیرضا طیبی

پاسخنامه تشریحی و تحلیلی

عربی هنر کنکور 1401



گزینه های درج شده بر اساس فایل هایی هستند که در شبکه های مجازی دست دست شده اند و دفترچه اصلی پنجشنبه مورخ 9/4/1401 به طور رسمی در سایت سنجش منتشر خواهد شد. فلذا با انتشار دفترچه سوالات در تاریخ ذکر شده و با جابه جایی گزینه ها دیگر گزینه ها قرمز اعتبار خود را از دست می دهند ولی پاسخ های تشریحی و تحلیلی اینجانب به قوت خود باقی خواهد ماند. بنده در کنار این فایل سوالاتی که با گزینه های قرمز تطابق دارند را پیوست کرده ام پس برای درک بهتر مطلب به آن دفترچه سوال رجوع کنید

پاسخ سوال شماره 26 :

گزینه 2 ❖

بررسی سایر گزینه ها :

گزینه 1 : به شکل غیر صحیح "أمتکم" را معنا کرده است در زبان عربی هر گاه بعد از حروف اشاره { هذا، هذه، هؤلاء } اسم نکره بیاید اسم بعد از آن خبر بوده و خبر به شکل جمله در زبان فارسی با لفظ " است " معنا می شود
مثال : " هذا کتابٌ " در این جمله کتاب نکره است و بعد از حروف اشاره آمده است و خبر واقعه شده است پس می باید به با فعل اسنادی فارسی " است " معنا بشود : " این، کتاب است " اما اگر به شکل هذا الکتاب نوشته می شد می بایست " این کتاب " معنا بشود دیگر یک جمله نخواهد بود و یک ترکیب است مانند : این خانه یا این لباس، همگی ترکیب هستند. زیرا خبری به ما نمی دهند .



پس می بایست می نوشت : این امت شماست.

گزینه 3 : این گزینه هم مانند گزینه اول بر روی نکته کلیدی مشار الیه { اسم بعد از اسامی اشاره } مانور داد است.

گزینه 4 : اصولاً طرح سوال از این آیه برای دانش آموز مقطع متوسطه دوم و آن هم به عنوان یک درس عمومی غلط است. با استناد به آمدن این آیه در کتاب درسی و عدم طرح سوال از عبارت : "فاعبدون" می توان با این اغماض طرح سوال را پذیرفت. ولی گزینه آخر با گزینه دو تنها در عدم معنا کردن کلمه "مرا" تفاوت دارد. پس می باید سراغ کلمه آخر یعنی "فاعبدون" برویم. همانطور که در دروس متوسطه دوم ذکر شده برای ایجاد معنا "مرا" در زبان عربی می باید ترکیب فعل + ن وقایه + یاء فاعلی باید ایجاد کنیم مثال : ضَرَبَ + ن + ی می شود ؛ ضربنی : مرا زد. سوالی که اینجا مطرح می شود این است که در صورت سوال فاعبدون آمده است به معنی : مرا عبادت کنید. که با ترکیب بالا هیچ سنخیتی ندارد. شاید از خودمان پرسیم : که سوال اشتباه است مگر قرار نبود که یک یاء {ی} به نون اضافه شود تا معنا "مرا" را بدهد؟ مثل : ضربنی ، سرقنی. اما پاسخ ابهام : در زبان عربی و مخصوصاً قرآن برای ساختن معنای "مرا" برای اختصار کلام دیگر به نون وقایه یاء را نمی دهند و به جای آن یک کسره به آخر آن اضافه می کنند برای مثال : به جای آنکه خداوند بگوید : فاعبدونی می گوید فاعبدون. متوجه شدید که چی شد؟ خداوند با حذف یاء آخر نون وقایه و تبدیل آن به کسره اختصار در کلام ایجاد کرد. پس هرگاه در کنکور یا هر جمله عربی فعلی را دید که مختوم به نون مکسور شد والبته معنای "مرا" داد بدانید ما اینجا مفعول داریم البته می باید معنا مرا را بدهد مثال: لم یحزن المومن معنا : مومن غمگین نشده است. اینجا فعل مختوم به نون مکسور داریم اما ما مفعول



نداریم چرا؟ چون اولاً: حزن لازم است و ثانیاً: قرارمان این بود که معنی "مرا" را بدهد که اینجا به هیچ وجه این معنا را نمی توانیم درک کنیم و ثالثاً: دلیل کسره گرفتن اینجا آمدن اسم معرفه به الف لام بعد از فعل مجزوم است نه حذف یاء مفعولی. اما فعل مجزوم چیست: به فعلی که پشت آن حروف: { لم، لماً، ل حرفو شرط: من، ما، ان، } بیاید فعل مجزوم می گویند مانند: لم یذهب یا من یجرب یا لیکتب

پاسخ سوال شماره 27:

گزینه 3 ❖

سوال بسیار ساده است فقط با چند فرمول رد گزینه به راحتی به درصد شیرین می رسیم
فرمول اول { رد گزینه اول }: در زبان عربی ما می توانیم حروف شرط را به معادل های نزدیک معنا کنیم ولی جابه جایی معنایی قابل قبول نیست. این یعنی چی؟ برای مثال:

شما میتوانید حرف شرط "ما" به جای معنای "هرچه" که در کتاب درسی آمده است به شکل های: هرآنچه، چیزی، چیزی که، یا حتی هر چیزی معنا کنید زیرا همگی معادل های نزدیک هستند. ولی حق ندارید جابه جایی حروف شرط معنا کنیم برای مثال: ما میدانیم حرف شرط "ان" طبق کتاب درسی معنای اگر را می دهد پس حق نداریم حروف شرط "من یا ما" را "اگر" معنا کنیم همانطور که حق نداریم که خود حرف "ان" را "هر آنچه یا هر کس" معنا کنیم. اگر این کار را کردیم جابه جایی معنایی اتفاق افتاده است.



فرمول دوم {رد گزینه دوم} : در زبان عربی کم یا زیاد معنا کردن دلیل بر رد گزینه است برای مثال : ذَهَبَ علی الی بیتی معنا : علی به خانه رفت. اینجا ضمیر متصل مضاف الیه "یاء" معنا نشده است یا در عبارت : رمی مجد کرتاً معنا : مجد توپم را پرت کرد. در این عبارت کرتاً هیچ ضمیر متصلی ندارد ولی در معنا "توپ من" ترجمه شده است که معنایی اضافه شده است پس دلیل بر رد گزینه است در گزینه دو هم فیها که در اصلی فی + ها بوده ، به معنای "در آن است" ترجمه نشده است

فرمول سوم {رد گزینه چهارم} : این فرمول که بسیار ساده است و کاملاً بدیهی و آن نادرست معنا کردن کلمات است البته به این سادگی هم نیست. ما باید اهل زبان را ملاک قرار دهیم و سلیس بودن و عدم ترجمه تحت الفظی اما ترجمه تحت الفظی چیست ؟ برای مثال در گزینه 4 به علاوه به اشتباه معنا کردن افضل که همه ما می دانیم معنا برتر را میدهد نه فاضل تر از این مسئله به کنار می رسیم به عبارت "انجام کاری". نگاه کنید یک عرب زبان یا حتی فارسی زبان هیچ وقت نمی گوید "به انجام کاری اقدام کند" بلکه کلام مختصر کرده و می گوید : "به کاری اقدام کنم" زیرا اقدام به کار در خود معنای "انجام را" داراست. در مثال دیگر : فردی می گوید : "میز مدرسه" سوال مقصود گوینده از این کلام چی بوده است؟ مقصود "میز کلاس مدرسه" بوده است ولی از گفتن کلاس امتناع می کند علت این امر اختصار کلام و راحتی بیان است. پس در کنکور سعی کنید جملات روان تر را انتخاب کنید نه جملات تحت الفظی و کلیشه ای.



پاسخ سوال شماره 28 :

گزینه 4 ❖

این سوال بسیار ساده است و نیازی به بیان جزئیات ندارد. فقط با دانستن دو نکته به پاسخ می‌رسیم

1_ ما + اسم بر وزن افعال + اسم منصوب = ترکیب تعجبی _ طریقه معنا : چه + اسم بر وزن افعال + اسم منصوب { رد گزینه 1 و 2 }

برای مثال : ما اجملَ الربیعَ : چه زیباست بهار یا بهار چه زیباست

ما اقبَحَ الكذبَ : دروغ گویی چه زشت است یا چه زشت است دروغ گویی

- نکته : به هیچ وجه نباید "ما" به شکل موصول یعنی: "آنچه" معنا شود یا به هر طریق دیگری تنها می‌باید با معادل "چه" معنا شود زیرا ما میخواهیم حس و حال تعجب را ایجاد کنیم و کلماتی مانند: "آنچه یا چه چیزی" این معنا را ایجاد نمی‌کنند. پس اینجا اصل معادل یابی مردود است و نمی‌توان گفت : آنچه بهار زیبایی .

2_ رعایت صیغه ها : می‌توان گفت در تمامی سوالات عربی کنکور در تمامی سالها این موضوع روی میز طراح های سوال بوده و خواهد بود. اما در سوال می‌خوانیم : ما اجمل ان یكون هناک احد یفکر دائما

اینجا بعد از حرف ناصبه ان فعل یكون آمده که صیغه هو هست و می‌باید

سوم شخص مفرد معنا شود ولی در گزینه 3 "داشته باشی" یعنی "توانت"



معنا شده است و همین دلیل بر رد گزینه است. { رد گزینه 3 }

پاسخ سوال شماره 29 :

❖ گزینه 3

برای پاسخ دادن به این سوال، مسئله اسامی اشاره و اسم بعد آن مطرح هست که به طور مفصل در پاسخ سوال 26 توضیح داده شده است {ردگزینه یک}. از طرفی ترکیب من اشهر می شود: از مشهور ترین {رد گزینه 2 و 3}. اما برای رسیدن به پاسخ نهایی می باید یک اصل را در زبان عربی بدانیم و آن اصل:

اسم مثنی یا جمع مذکر سالم در وضعیت مضاف همیشه نون آخر خود را از دست می دهد {رد گزینه 2 و 4} برای مثال: ترکیب مستشرقین که جمع مذکر مستشرق است به معنای خاور شناس وقتی به کلمه عالم اضاف می شود:

"مستشرق العالم" اینجا در اصلی مستشرقین عالم بوده که طبق قواعد عربی مضاف الیه همیشه الف لام میگیرد {العالم} و مضاف به هیچ وجه الف و لام و نون مثنی یا جمع مذکر سالم یا تنوین نمی گیرد یعنی این عبارات نادرست است:

_ الباب المدرسه { مضاف الف و لام گرفته }
_ کاتبون البیت { نون جمع مذکر حذف نشده است }



کاتبان البيت { نون مثنی حذف نشده است }
کاتبو بیت { مضاف الیه الف و لام نگرفته است }

پاسخ سوال شماره 30:

گزینه 1 ❖

مائة و خمسة و ثمانون معنای صحیح : 185 { رد گزینه 2 و 4 }

بدأ + فعل مضارع : شروع به مصدر فعل کرد. برای مثال : بدأ يذهب : شروع به رفتن کرد

پاسخ سوال شماره 31:

گزینه 2 ❖

الغريب في ظاهرة مطر السمك : عجيب در پدیده باران ماهی

{ رد همه گزینه ها }

در ترکیب بالا علت اینکه السمک الف و لام گرفته و مطر نگرفته آن است که

در زبان عربی هر گاه چندین اسم به شکل مضاف الیه پشت سر هم قرار بگیرند

تنها اسمی الف و لام می گیرد اسم اخر است برای مثال :

در اتاق کلاسِ مدرسه به عربی می شود : باب حجرة صف المدرسة



همانگونه که دید چندین کلمه پشت هم مضاف الیه شدن و فقط اسم
آخر الف و لام گرفت {المدرسة دادن الف و لام به بقیه نادرست است}

پاسخ سوال شماره 32:

❖ گزینه 2

اطاراتها السوداء : ترکیب وصفی و اضافی و طریقه معنا کردن :

معنای اسم اول + اسم سوم + اسم دوم : چرخ های {اسم اول} سیاه {اسم سوم}

اش { اسم دوم، ضمیر اسم است} { رد پزینه 3 و 4 }

المزرعه معرفه است { رد گزینه 1 }



پاسخ سوال شماره 33 :

❖ گزینه 1

عدم معنا کردن لا نفی جنس {رد گزینه دوم} در زبان عربی اگر لا نفی جنس معنا نشود همین موضوع دلیل بر رد گزینه است زیرا با معنا نکردن لا نفی جنس دیگر معنای نفی قوی از جمله سلب می شود.

در این گزینه یُورثُ بر وزن یُفَعِلُ متعددی بوده و به معنا "به ارث می گذارد" است نه ایجاد کردن {رد گزینه سوم}

به کاربرد "لَمَّا" دقت کنید :

1 _ لما + فعل ماضی : "هنگامی که" تاثیراتی در معنی فعل ماضی ایجاد می کند.

2 _ لما + فعل مضارع : فعل را مجزوم می کند و به ماضی ساده یا نقلی ساده انتقال می دهد

3 _ لما + جمله اسمیه : "هنگامی که یا آن زمان که" به شکل قید معنا می شود

در گزینه چهارم لما + کنْتُ + اشکو آمده است که همان حالت اول است

پس می باید به شکل هنگامی که معنا شود نه هرگاه زیرا این معنا حالت



شرط را ایجاد می کند که حرف شرط معادل آن "ان" است. { رد گزینه چهارم }
 از طرف دیگر در زبان عربی کان+ فعل مضارع معادل ماضی استمراری است
 می+ ین ماضی برای مثال : کان یذهب : می رفت یا کان یکتب : می نوشت
 با این احتساب "کنتُ اشکو" می شود : شکایت می کردم

پاسخ سوال شماره 34 :

❖ گزینه 3

باز هم متأسفانه طراح محترم از حدود کتاب تجاوز کرده و برخی از مطالب دانشگاهی رشته تخصصی زبان و ادبیات عرب را مطرح کرده است. که به هیچ وجه جای توجیهی ندارد ولی خب می شد جواب را با رد گزینه پیدا کرد

قبل رفتن به سراغ سوال، با توجه به بینش طراح سوال یعنی طرح سوال از مباحث کارشناسی می بایست توضیحاتی داده شود تا داوطلب دچار سردرگمی نشود. پس بیاید برویم روی اصل مطلب : نگاه کنید دوستان عزیز در زبان عربی اسامی فاعل، مفعول، مبالغه، تفضیل یا حتی مصدر می توانند به شکل فعل معنا شود. و به دلیل همین توانایی خاص به آنها شبه فعل { شبیه فعل } می گویند. برای مثال : علی ضارب محمداً سوال این جمله چگونه باید معنا کنیم ؟ علی زننده محمداً است ؟ خیر این تیپ معنا کردن تحت الفظی و غیر سلیس است به عبارت ساده تر دل نشین نیست. باید این گونه معنا کنیم : علی محمداً را زد. حالا متوجه شدید ؟ ضارب اسم فاعل است اما به شکل فعل { زدند } معنا شده است.



اینکه علت این امر چیست بسیار فراتر از دوره متوسطه دوم است و با توجه طرح سوال از این موضوع توسط طراح محترم کنکور نیازی نیست که علت این اتفاق را شما بدانید و فقط این را بدانید که اگر در تستی اسامی فاعل، مفعول، مبالغه و به شکل فعل معنا شدند آنها را غلط نگیرید. خب برگردیم به گزینه سوم در این گزینه عبارت: تارکاً آثاراً را داریم. تارکاً در اصل تارک بوده که اسم فاعل بر وزن فاعل فعل تَرَکَ هست. در زبان عربی فعل تَرَکَ دو معنا می دهد 1_ ترک کرد یا رها کرد 2_ بجا گذاشت. در این سوال با اینکه تارک اسم فاعل است می بینیم که به شکل فعل بجا می گذارد معنا شده است که بنا به اصل بالا که گفتیم شبه فعلها { اسم فاعل، مفعول و... } می توانند به شکل معنا شوند پس ما این گزینه را غلط فرض نمی کنیم.

{ردگزینه اول} شَعَرَب : احساس.... کرد. مثال : شَعَرَ بجوع : احساس گرسنگی کرد. اما نمی توانیم بگوییم گرسنه شد این دو، دو مقوله کاملاً مجزا هستند. همچنین وقعت عینانا علی حیوان " یعنی چشمانمان به حیوانی بیفتد نه ببیند وَقَعَ یعنی افتاد و شاهد یعنی دید

{ردگزینه دوم} در گزینه دوم معنا کردن شاید اضافی است در زبان عربی معنی معادل عربی کلمه فارسی شاید یا رَبُّما است یا لعل یا قد+ فعل مضارع که هیچ یک از تراکیب زیر در گزینه دوم دیده نمی شود البته جهت اطلاع



در این تیپ تست های عین الخطا و عین الصحیح جملات ادامه هم هستند پس نباید آمدن که را در اول جمله اضافه فرض کنیم در این تیپ سولات همیشه کلماتی برای تکمیل معنا به جمله داده می شود.

{رد گزینه چهارم} در این گزینه عبارت بیش از هیچ معادل عربی ندارد یعنی هیچ جای جمله عبارت عربی اکثر من یا معادل های مشابه دیده نشده است.

پاسخ سوال شماره 35 :

❖ گزینه 1

قد پشت فعل ماضی باعث تحقیق و انتقال معنای آن به زمان ماضی نقلی می شود پس می بایست در صورت سوال عبارت فارسی

توافق کرده است باشد تا از ماضی نقلی استفاده می شد **{رد گزینه های سوم و چهارم}**

در صورت سوال آمده : امتحان را برای دانش آموزان که معادل عربی می شود الامتحان للطلاب علت **{رد گزینه دوم}** علت آنکه گزینه سوم نادرست این است که معنی برای در عربی با حرف جر ل ایجاد می شود که ذکر نشده و



هنچنین الامتحان الطلاب ترکیب اضافی است و نباید مضاف الف ولام بگیرد

❖ ترجمه درک مطلب :

دلایل ایجاد خستگی در انسان متعدد است. و از مهم ترین راه های برای رهایی از این مریضی { خستگی } عبارت است از : توجه به وقت و کنترل آن، شناخت اولویت ها و ترتیب آن ها بر اساس اهمیتشان. از این راه انسان بسیاری از اعمال که عمل به آنها واجب است را می فهمد در نتیجه هیچ زمینه ای برای خستگی و گوشه نشینی وجود نخواهد داشت { یعنی با این کارها خستگی از بین می رود } یک راه اساسی برای مقابله با این حالت وجود دارد و آن : گفت و گو با خود است. و از راه های دیگری که به از بین

رفتن خستگی کمک می کند دنبال چیز های جدید گشتن است همانند : خوردن غذا در اماکن جدید و تغییر در چگونگی رفتن به مکان کار..... همچنین گوش دادن به بعضی از صدا ها و نغمه ها مانند قران کریم و دعا ها و موسیقی آرامش دهنده و همچنین خواندن کتاب های محبوب. از راه های صحیح مواجهه با این مشکل اند. خلاصه کلام توجه به وجودمان هر بدی را زاما نفی می کند.



پاسخ سوال شماره 36 :

❖ گزینه 4

معنی گزینه اول : خوردن غذا در طبیعت هرگز بر خستگی تاثیری نمی گذارد. **نادرست است.** زیرا در متن قید شده است که خوردن غذا در اماکن جدید باعث

از بین بردن خستگی می شود و طبیعت هم می تواند یکی از مصادیق این اماکن جدید باشد.

معنی گزینه دوم : همه انواع موسیقی ها برای حل مشکل خستگی مفید هستند.

نادرست است. نگاه کنید همیشه در درک مطلب هر گاه از کلماتی مانند : ابداء، اصلاً، کل، بعض، احیاناً، غالباً استفاده شد این گزینه ها اغلب نادرست است البته اینجا می باید منطق را در نظر گرفت به هیچ قابل پذیرش نیست که همه نوع موسیقی مفید باشد حال برای هر موضوعی همانگونه که همه نوع غذا مفید نیست.

معنی گزینه سوم : هر روز مسیر رفتنت را به دانشکده تغییر بده

نادرست است. باز هم همان نکته دخول حرف کل مطرح است. دقت کنید متن

گفته چگونگی رفتن به محل کار ولی ایا منطقی است که فرد هر روز مسیر رفتنش را

عوض کند؟ آیا منطقی است یک فرد هر روز یک لباس جدید یا یک



غذای جدید مصرف کند؟ می بینم بنا بر اصل تطابق متون درک مطلب با منطق و عرف نمی توانیم این گزینه را صحیح در نظر بگیریم.

پاسخ سوال شماره 37 :

❖ گزینه 3 و 4

معنی صورت سوال : آنچه را که بر از بین رفتن خستگی تاثیری نمی گذارد مشخص کن.

این سوال جای بحث دارد. اکثریت همکاران گزینه 3 را پاسخ سوال دانسته اند و این در حالی است که گزینه 3 را می توان صحیح در نظر گرفت.

گزینه 1 که تلاش است که به عینه در متن درس آمده است {السعی وراء الاشياء الجديد} گزینه دو هم التکلم هست که به شکل الحوار مع النفس بیان شده است اما گزینه های 3 و 4 به عینه در متن نیامده اند و در قراءۃ الکتب محبوبۃ نهفته است علت آنکه برخی باور دارند گزینه 4 یعنی یادگیری صحیح است آن است که خواندن کتاب های دوست داشتنی را یک نوع یادگیری در نظر می گیرند فرد با یادگیری موضوعات مختلف می تواند بر خستگی خود غلبه کند اما باید دقت کرد که کلمه دوست داشتنی المحبوبة مطرح شده است ما انسان با انجام کار های دوست داشتنی خوشحال می شویم و این خوشحالی باعث کاهش خستگی و افسردگی ما می شود به عبارت دیگر انجام کار مهم نیست بلکه نوع کار موثر است یعنی دوست داشتنی بودن یا غیر محبوب بودن {نوع کار} با این جود باید منتظر کلید سنجش بود تا به جواب قطعی رسید.



پاسخ سوال شماره 38 :

❖ گزینه 4

معنی صورت سوال : آنچه را که برار بین رفتن خستگی تاثیری نمی گذارد مشخص کنید.

گزینه اول : تنوع عادات _ گزینه دوم : ترک عادات _ گزینه سوم : افزایش تعداد عادات _ گزینه چهارم : استمرار و ادامه دادن به عادات
عموما خستگی نتیجه تکرار عادات است یعنی هر گاه زندگی پر تکرار شود خستگی و کسالت و افسردگی ایجاد می شود پس با این اوصاف گزینه اخر بهترین گزینه است.

پاسخ سوال شماره 39 :

❖ گزینه 3

معنی صورت سوال : آنچه از متن می فهمیم آن است که
معنی گزینه اول : خودتان را بکشید
معنی گزینه دوم : خدا به آنچه در وجودتان است آگاه تر است
معنی گزینه سوم : مراقب خود باشید



معنی گزینه چهارم : بی گمان نسبت به خود تکبر ورزیدند.

عموما سوالاتی که از شما فهم متن را می خواهد به خط آخر رجوع کنید در خط آخر متن آمده است : مخلص الکلام هو ان الاهتمام بوحودنا ینفی کل سوء عنا معنا : توجه به خودمان هر بدی از ما دور می کند که به عینه در آیه گزینه سوم آمده است.

پاسخ سوال شماره 40 :

❖ گزینه 1

" یَفْهَم " فعل مضارع ثلاثی مجرد است و ماضی آن بر وزن " فعل " یعنی " فهم " است و نمی تواند بر وزن افهم باشد زیرا در این صورت باب افعال خواهد بود.

پاسخ سوال شماره 41 :

❖ گزینه 4

"تساعد" در متن برای صیغه "هی" به کار رفته به هیچ وجه "انت" نیست زیرا مرجع آن به "الطرق" بر می گردد.



پاسخ سوال شماره 42 :

❖ گزینه 1

فعلی که مصدر آن بر وزن "تَفَعَّلَ" باشد می بایست ماضی آن بر وزن "تَفَعَّلَ" باشد نه "فَعَّلَ"

پاسخ سوال شماره 43 :

❖ گزینه 2

در زبان عربی عموماً بعد از حروف سوالی هل یا أ فعل معلوم می آید پس تُصَدِّقُ نادرست و می باید تُصَدِّقُ می آمد یعنی : آیا باور می کنی. از طرف دیگر در باب تفاعل همیشه عین الفعل مفتوح است مانند باب تفاعل پس می باید تتساقطُ می آمد نه تتساقِطُ



پاسخ سوال شماره 44 :

❖ گزینه 4

عیشیة : نوعی از حیات که خداوند و ملائکه را در بر نمی گیرد بلکه فقط انسان ها را در بر می گیرد و قید اینکه مخصوص اجدادمان باشد اشتباه است و این نوع حیات زندگی ما را هم در بر می گیرد. {رد گزینه اول و دوم}

عشاء : در عرف این کلمه هم معنا یک وعده غذایی می دهد که عموماً شامگاه صرف می شود هم معنای خود شامگاه را می دهد ولی در عربی فقط معنا وعده غذایی میدهد و به هیچ وجه در معنای زمان صرف غذا به کار نمی رود.

{رد گزینه سوم}



پاسخ سوال شماره 45 :

❖ گزینه 3

التدبير نصف المعشيه : تدبير نصف زندگي است
آنکه مدبر است ثروتمند است واضح است که نادرست است زیرا خود جمله
عربی می گوید نصف است نه به طور کامل

پاسخ سوال شماره 46 :

❖ گزینه 1

گزینه اول : تصفح : دو حرف زائد باب تفعیل
گزینه دوم : تبدل : یک حرف زائد باب تفعیل
گزینه سوم : تبجل : یک حرف زائد باب تفعیل
گزینه چهارم : تبعد : یک حرف زائد باب تفعیل



پاسخ سوال شماره 47 :

❖ گزینه 3

در گزینه سوم اسلوب تفضیل نداریم بلکه اسلوب تعجب داریم

پاسخ سوال شماره 48 :

❖ گزینه 4

معنی گزینه اول : هر کس اخلاقش را نیکو گرداند نصف دینش را کسب کرده است
معنی گزینه دوم : هر کس تجربه های گذشته را به یاد نیاورد آنها را تکرار می کند
معنی گزینه سوم : هر آنچه از علم مردم به علم ما جمع کنیم از آن سود می بریم
معنی گزینه چهارم : آنچه از سال پیش از میوه اش خوردیم که آن را در بافمان
کاشته بودیم
همانطور که در ملاحظه می کنید در گزینه چهار هیچگونه شرطی داده نشده که
بخواهد به آن پاسخ داده شود.



پاسخ سوال شماره 49 :

❖ گزینه 2

صورت سوال از گزینه ای را می خواهد که مبتسمة حال باشد یعنی نکره، منصوب، و هیچ نقش دیگری نگیرد

معنی گزینه اول : ای کاش تو در این سفر علمیه سخت خوشحال باشی همانطور که معلوم است مبتسمة خبر لیت است و معنای آن را کامل می کند

معنی گزینه دوم : دختر جوان رو به روی دانشجویان دختر ایستاد و در حالی که برای بیان درس خوشحال بود. و اینجا هم مبتسمة دارد حالت الشابة را بیان می کند

معنی گزینه سوم : دختر خوشحالی را دیدم که به سوی اینجا و آنجا با خوشحالی می رفت. اینجا هم مبتسمة صفت بنت است و دارد آنرا وصف می کند.

معنی گزینه چهارم : دانشجوی دختر خوشحال بود زیرا او به خوش اخلاقی مشهور بود. اینجا هم مبتسمة معنای کان را کامل می کند که در این حالت خبر کان است.



پاسخ سوال شماره 50 :

❖ گزینه 3

در همه گزینه ها ما اسلوب استثنا داریم ولی در گزینه سوم اسلوب حصر

معنی گزینه اول : مسئول پذیرش چیزی را اعطا نکرد به جزء کلید اتاق

اسلوب استثنا ، کلید از چیزی گرفته شده است
مفتاح از شی گرفته شده است.

معنی گزینه دوم : انسان کوشا به کسی اعتماد نمی کند به جزء به خودش غالباً

اسلوب استثنا ، خودش از کسی گرفته شده است
نفس از احد گرفته شده است.



معنی گزینه سوم: به هدف در این دنیا نمیرسد به جزء کسی که بسیار تلاش می کند. همان گونه که ملاحظه می کنید قبل از الا کلمه ای نیست که ما کلمه "کسی را" از آن خارج کنیم و اینجا مستثنی منه محذوف است و آن هم "احد" است

معنی گزینه چهارم: از این مغازه کالایی خریدم به جزء شلوار سیاه رنگی

اسلوب استثنا ، شلوار از کالا گرفته شده است
سروال از بضاعة گرفته شده است.



آرزوی موفقیت برای همه دانش پژوهان

